

صلح‌پژوهی در سرپرستی زوج بر زوجه

فضه جوادی^۱، مریم برقی^۲

چکیده

انسان موجودی اجتماعی است. در تمام نهادهای اجتماعی در راستای صلح و آرامش، فردی به عنوان سرپرست تعیین می‌شود. خانواده که مهمترین نهاد اجتماعی است از این امر جدا نیست و برای به‌سامان رسیدن برنامه‌ها و سیر حرکتش نیازمند یک مسئول و سرپرست است. در نظام خانواده، سرپرستی امور آن برعهده مرد نهاده شده است و در آیه ۳۴ صوره نساء تصریح به این امر شده است. در گستره اختیارات سرپرست دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. اسلام قوامیت را به معنای تکلیف دانسته نه به معنای سلطه مطلق بر زنان اگرچه لازمه ریاست اطاعت است البته نه اطاعت در تمام حیطه‌های زندگی. اطاعت زن از مرد تنها در محدوده مسائل زناشویی است. نوشتار حاضر علاوه بر تبیین ماهیت و گستره قوامیت، رابطه سرپرستی مردان در خانه را با مؤلفه‌های صلح بررسی می‌کند از جمله عدالت‌محوری، تعاون و همبستگی، احساس مسئولیت و دستاورد نوشتار حاضر این است که قوامیت مرد، نوعی مسئولیت برای اداره کانون خانواده است که به دنبال آن، تکالیف و وظایفی برعهده مرد خواهد آمد از جمله لزوم نفقه و رفتار عادلانه. نوشتار حاضر درصدد تبیین ماهیت و گستره قوامیت و مشخص کردن محدوده اطاعت زوجه از زوج است تا بدین وسیله موجبات صلح و آرامش در خانواده فراهم شود و از نزاع‌های خانوادگی پیش‌گیری شود و به همین ترتیب زمینه صلح در اجتماع فراهم شود.

واژگان کلیدی: زوج، زوجه، سرپرستی، قوامیت، حق، تکلیف، صلح.

۱. مقدمه

صلح در جامعه معاصر نیازی حیاتی برای مردم و تمدن امروزی است. محیطی که در آن طبقات مختلف جامعه به دور از تنش و اختلاف و هرج و مرج باشد صلح در آن برقرار خواهد بود. برای تحقق چنین جامعه‌ای صلح و آرامش باید از نهادهای کوچک و بنیادین آن آغاز شود. در این بین

۱. دانش‌پژوه سطح چهار فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، افغانستان.

۲. استادیار فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، ایران.

نهاد خانواده به عنوان رکن بنیادین اجتماع بشری است تا آنجا که سعادت و شقاوت امت‌ها وابسته به رشادت و ضلالت خانواده است و سلامت و پایداری خانواده اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا و به دور از تنش است. برای این نیاز به تحکیم بنیان خانواده است و برای رسیدن به این هدف، آگاهی صحیح زوجین از وظایف یکدیگر و پذیرش آنها نقش مهمی در برقراری صلح و تحکیم پایه‌های خانواده و پیشگیری از اختلافات بین زوجین خواهد داشت. یکی از این مسائل و وظایف مهم در خانواده که پذیرش آن نقش مهمی در بقا و استواری آن دارد مسئله ریاست و قوامیت مردان بر خانواده است که از نظر متون دینی امری مقبول و پذیرفته است.

قرآن کریم می‌فرماید: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ». اختلاف در تفاسیر واژه قوامیت در آیه باعث بروز اختلافات و کج‌فهمی‌هایی شده است. بسیاری از مفسران قرآن معتقدند که این آیه بیانگر برتری مردان بر زنان است. در این بین بسیاری از علما این حکم را به تمام شئون اجتماعی و منع تصدی مناصب اجتماعی توسط زنان تسری داده‌اند. گروهی با توجه به ادامه آیه که به مسئله انفاق و نشوز زنان پرداخته است آیه را به روابط زن و مرد در خانواده اختصاص داده‌اند و وظایف و اختیارات خاص را برای مردان در این خصوص برشمرده‌اند. برخی آن را به‌طور مطلق، حمل بر قوامیت شوهر بر زن کرده‌اند. مقاله حاضر با توجه به اهمیت مسئله و برای آگاهی مردم از معنای قوامیت نگارش شده است تا با روشن شدن معنای قوامیت و گستره اعمال آن از بروز اختلافات در روابط زوجین جلوگیری کند. در نوشتار حاضر بعد از بیان اقوال در مفهوم قوامیت، محدوده اعمال آن و مؤلفه‌های صلح مرتبط با قوامیت بیان می‌شود.

۲. مفهوم قوامیت

قوام صیغه مبالغه قائم است که از قام، یقوم گرفته شده است و قام بدون حرف جر و نیز همراه با حروف ب ل ف ی، عن، الی و علی به کار می‌رود. در صورتی که قوام و قام با علی به کار رود به معنای مراقبت و دوام و ثبات بر کاری است یا ایستادن بر پایه چیزی و یا تکیه بر چیزی که در این آیه معنای نخست اراده شده است؛ یعنی بسیار قیام‌کننده بر امور و کارها و نیازهای زنان. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۹۶/۱۲-۵۰۴) الْقَوْمَ در اصل مصدر قام است و سپس در استعمال، برای مردان (نسبت به زنان) غلبه پیدا کرد و مردان بدان نامیده شدند؛ زیرا آنها «قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» هستند در امری که اقامه

و انجام آن در شأن زنان نیست (زبیدی، ۱۴۱۴، ۵۶۴/۳). همچنین آمده است: از قوام به معنای قیام سه‌گونه برداشت می‌شود:

- قیام به شخص، قیام به شیء و قیام بر عزم و اراده بر چیزی.

- قیام به شخص یا قیام به تسخیر است یا قیام به اختیار و آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» از همین معناست؛ یعنی مردان به اختیار خویش به تدبیر امور زنان قیام می‌کنند. قوم هم بر زن و هم بر مرد اطلاق می‌شود. این در حقیقت برای مردان وضع شده است و در مورد زنان به کار می‌رود. به دلیل آیه «لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ»؛ زیرا در برابر نساء به کار رفته است (اصفهانی، ۱۴۱۲، ۶۹۰/۱). بنابراین، قوامیت به معنای سرپرستی و مسئولیت است و هرگز برتری، فضیلت، شرافت و امتیاز یا سلطنت مرد بر زن را نمی‌رساند.

۳. فلسفه قوامیت زوج

هیچ اجتماعی بدون مسئول و رهبری واحد و مدبر ممکن نیست. خانواده نیز به عنوان اولین و بنیادی‌ترین تشکل در جامعه نیازمند مسئول یا سرپرست است و بدیهی است که اگر خانواده‌ای مدیریت صحیح نداشته باشد شیرازه آن از هم می‌پاشد و نظم و انسجام آن از بین می‌رود. وجود رهبری واحد در خانواده به عنوان یک واحد کوچک اجتماعی مانند یک اجتماعی بزرگ امری لازم است؛ زیرا سرپرستی که زن و مرد به‌طور مشترک آن را به‌عهده بگیرند، مفهومی ندارد و همیشه هرج و مرج و بی‌نظمی در آن حکم‌فرماست. براساس نظر کارشناسان، گذشته از بی‌نظمی امور اگر میان پدر و مادر بر سر ریاست خانه اختلاف و کشمکش باشد فرزندان دچار عقده‌های روحی و اختلال عواطف خواهند شد. با توجه به این اشکالات تردیدی نیست که مسئولیت و ریاست امور خانواده را باید به‌عهده مرد یا زن گذاشت. در نتیجه یکی از زن و مرد باید رئیس خانواده و دیگری تحت نظارت او باشد. خانواده به قدرت، قاطعیت، تدبیر و رهبری نیازمند است و چون این ویژگی‌ها به‌طور طبیعی و فطری در مرد قوی‌تر است و به دلیل برتری قدرت تفکر او بر نیروی عاطفه و احساسات (به عکس زن که سرشار از عواطف است) و داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر که هم بتوانند بیندیشد و نقشه طرح کند و هم از حریم خانواده خود دفاع کند اسلام مسئولیت اداره خانواده را بر عهده او قرار داده است. علاوه بر آن پرداختن

هزینه‌های زندگی، مهریه و تأمین زندگی همسر و فرزندان این حق را به او می‌دهد که وظیفه سرپرستی برعهده او باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳/۳۶۹)

علامه جعفری در این زمینه می‌نویسد: «اداره خانواده به یکی از چهار شکل ذیل تصور می‌شود: الف) اداره آن با زن و مرد است که چنین چیزی ممکن نیست؛ زیرا اگر دو مرد نیز با هم مسئول باشند منجر به تصادم، تزاخم و برخورد و جدایی خواهد شد؛ ب) در صورت مسئول بودن زن به‌تنهایی با تنظیم ارتباطات با موانع و اختلالات روبه‌رو خواهد شد؛ ج) پدرسالاری سلطه‌گرانه و خودخواهانه که در بعضی جوامع دیده می‌شود فضای جامعه را جهنمی می‌کند، عظمت‌ها و ارزش‌های زن را سرکوب می‌کند و طعم خوش زندگی را در کام فرزندان تلخ می‌کند؛ د) نظام شورایی با سرپرستی و مأموریت اجرایی مرد که همراه با اعتدال است و معنای قوام نیز همین است. اشکال بعضی از غربیان بر اسلام مبنی بر این که اسلام مرد را امیر و زن را اسیر کرده است به دلیل رفتار بیرونی بعضی از جوامع اسلامی و برداشت‌های نادرست از آیه «الرجال قوامون علی النساء» است.

ایشان تأکید دارد که قوام، قیم مصطلح حقوقی و فقهی نیست و قوامیت براساس علت طبیعی است نه قراردادی و تحکمی. (علامه جعفری، ۱۳۶۲، ۱۱/۲۶۷) باتوجه به مطالب فوق ضرورت وجود سرپرست در خانه و اینکه این عنوان با ویژگی‌های مرد تناسب بیشتری دارد، ثابت شد. بنابراین، قوامیت مرد نوعی مسئولیت برای اداره بنیاد خانواده است و الزامات و تکالیفی حقوقی و اخلاقی در پی آن برعهده مرد است از جمله لزوم انفاق و رفتار براساس قسط و چه‌بسا بتوان گفت آیه شریفه «کونوا قوامین بالقسط» آیه مورد بحث را تبیین و تفسیر یا تکمیل می‌کند. بنابراین، سرپرستی مرد در خانواده امری است که به صراحت در قرآن به آن اشاره شده است.

۴. محدوده قوامیت

در اینکه واژه قوامیت که در آیه آمده است نظر به مردان جامعه به‌گونه فراگیر دارد یا تنها شوهران را در چهارچوب خانواده شامل می‌شود میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد، ولی در مجموع سه دیدگاه کلی درباره آیه وجود دارد. گروهی آن را به معنای قوامیت نوع مردان بر زنان می‌دانند و بر همین اساس قائل به ممنوعیت حضور زنان در مناصب اجتماعی شده‌اند و برخی دیگر گستره قوامیت را مختص به مرد بر همسرش دانسته‌اند.

۴-۱. قوامیت به معنای سیطره نوع مردان بر زنان

براساس نظر برخی از مفسران شیعه مانند علامه طباطبایی و شیخ طوسی در تبیان و طبرسی در مجمع البیان، مفاد آیه این است که مردان بر زنان حاکمیت و سلطه دارند و این سلطه بر تمام شئون زندگی زن است و به عبارت دیگر مرد سلطه کامل دارد. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۵۴۷/۴؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۹، ۱۸۹/۳؛ طبرسی، ۱۳۵۲، ۱۳۵/۵) این گروه حروف الف و لام در الرجال و النساء را الف و لام جنس دانسته‌اند و می‌گویند: «مقصود از رجال و نساء در این آیه، جنس مرد و زن است». مرحوم علامه در تفسیر آیه این سلطه را به واسطه قدرت و قوت فکر و تعقل و افزونی نیروی بدنی مرد می‌داند. ایشان معتقد است: «در آیه، قوامیت مردان بر دو علت مبتنی شده است: اول اینکه خداوند به مردان برتری‌هایی داده است که آنها را نسبت به زنان قیّم می‌گرداند و دوم اینکه مردان از مال خود نفقه زنان را می‌پردازند و به همین دلیل بر زندگی آنها مسلط می‌شوند و این دو دلیل هم به صورت عام ذکر شده‌اند». از نگاه علامه به دلیل عمومیت، علت حکمی که مبتنی بر آن علت است (قیّم بودن مردان بر زنان) نیز عمومیت دارد و منحصر به شوهران نسبت به همسران نیست و این طور نیست که مردان تنها بر همسران خود قوامیت داشته باشند بلکه حکمی برای نوع مردان بر نوع زنان جعل شده است (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۳۴۳/۴). صاحب تفسیر کشاف معتقد است: «آیه بر این دلالت دارد که مردان قائم بر امور زنانند همچنانکه والیان قائم به امور رعایا هستند و ضمیری که در «بَعْضَهُمْ» آمده است به جمیع مردان و زنان بازمی‌گردد» (زمخشری، ۱۴۰۷، ۴۹۵/۱).

۴-۲. قوامیت به معنای منع حضور زنان در مناصب اجتماعی و حکومتی

گروهی قوامیت ذکر شده در آیه را عام دانسته‌اند و آن را شامل خانه و اجتماع می‌دانند. اینان دامنه قوامیت را مختص به زندگی خانوادگی نمی‌دانند بلکه دامنه آن را در همه شئون اجتماعی می‌دانند و قوامیت موجود در آیه را حمل بر منع حضور زنان در مناصب اجتماعی نموده‌اند. همان طور که پیشتر بیان شد مفسرانی همچون شیخ طوسی، طبرسی و زمخشری قائل به آنند. علامه طباطبایی در تشریح این دیدگاه می‌فرماید: «عمومیت علتی که حکم «الرجال قوامون علی النساء» در آیه بر آن مترتب شده است دال بر این است که این حکم مخصوص شوهران نیست؛ یعنی قوام بودن مخصوص مرد نسبت به همسرش نیست بلکه از سوی

خداوند برای گروه مردان بر گروه زنان در همه جهاتی که به زندگی هر دو مربوط می‌شود قرار داده شده است. بنابراین در امور زیر مردان بر زنان ولایت دارند:

- جهات عمومی و اجتماعی که با برتری مردان مرتبط است مانند حکومت و قضاوت که حیات و پویایی جامعه به آن بستگی دارد و قوام این دو به تعقل است که در مردان بیش از زنان وجود دارد؛

- دفاع در میدان نبرد که نیازمند قدرت و قوت عقلانی است. بنابراین، آیه «الرجال قوامون على النساء» اطلاقی همه‌جانبه دارد (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۴/۳۵۶).

۴-۲-۱. اشکال

گروه فوق بر این نظرند که استدلال این گروه بر پایه این پیش‌فرض است که مقصود از رجال و نساء را گروه مردان و گروه زنان بدانند و نه شوهران و همسران درحالی که این پیش‌فرض با ادله گوناگون قابل نقد است که عبارتند از:

- این آیه در میان آیات طلاق قرار دارد و بیان‌کننده حقوق و تکالیف زن در درون خانواده و مشخص‌کننده حقوق زنان در برابر تکالیفی است که در خانواده برایشان قرار داده شده است. (آصفی، ۱۳۸۴) از طرفی به قرینه سیاق و مقتضای روایتی که مفسران در شأن نزول این آیه ذکر کرده‌اند دلیل بر عدم عمومیت آن است و مربوط به نظام خانواده و بیان جایگاه شوهر در این نظام است؛

- عبارت «وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» که ادامه آیه بیان شده است جزء اول آیه را که عام است، محدود می‌کند؛ زیرا انفاق مرد بر زن در همه حال و هر شرایطی موضوعیت ندارد و این علت، تشریحی و اقتصادی است و در دایره زندگی مشترک و روابط زناشویی و همسری است و دادن هزینه‌های زنان در غیر زندگی خانوادگی و زناشویی بر مردان واجب نیست؛

- قوام‌بودن که در آیه به آن اشاره شده است به‌معنای ولایت و سلطنت و قیم‌بودن مردان بر امورات زنان (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱/۵۰۵؛ طبرسی، ۱۳۵۲، ۳/۵۸؛ اردبیلی، بی‌تا، ص ۵۳۶) نیست بلکه قوام‌بودن به‌معنای مدیریت است. مربوط به مدیریت اجرایی است؛ زیرا قرآن می‌فرماید: «الرجال قوامون على النساء»؛

- جمله «بما فضل الله بعضهم على بعض» می‌رساند که مقصود قیومیت همه مردان بر همه زنان نیست چون در این صورت باید می‌فرمود: «بما فضلهم عليهم» (طریحی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۵۶۴/۳).

آیت الله اردبیلی معتقد است لازمه استنباط استدلال کنندگان و قائل شدن به عمومیت مفهوم آیه منع زنان از هر کار اداری و فعالیت سیاسی است و در نتیجه زن از تصدی هرگونه مسئولیت و حرفه و شغل ممنوع می‌شود چون هر یک از این فروض مستلزم ولایت و سلطه زنان بر مردان خواهد بود. بنابراین، استفاده یک معنای عام از آیه قوامیت مردان بر زن در تمام عرصه‌ها با اشکال مواجه می‌شود. (اردبیلی، ۱۴۲۲، ۹۱/۱)

۴-۳. قوامیت به معنای سیطره زوج بر زوجه

بعضی معتقدند اگرچه در آیه از الفاظ عامی مثل الرجال و النساء استفاده شده است، اما به قرینه ذیل آیه، مراد همسران است. این عده خود دو گروهند: برخی معتقدند منظور قوامیت مردان بر زنانشان به طور مطلق است و برخی دیگر آن را تنها از باب تکلیف و در محدوده زندگی زناشویی می‌دانند.

۴-۳-۱. قوامیت مرد از باب وظیفه

گروهی از فقها با استناد به آنکه مهمترین دلیل و مدرک شرعی برای ریاست شوهر بر همسرش براساس آیه ۳۴ سوره نساء انفاق زن توسط شوهرش است و تکلیف انفاق زوج نسبت به زوجه‌اش در صورت وجود رابطه زوجیت بر ذمه زوج ایجاد می‌شود قلمرو ریاست شوهر بر زن را نوعی تکلیف و محدود به روابط زناشویی دانسته‌اند. آیت الله جوادی آملی محدوده قوام بودن مرد را به نوعی تکلیف و مسئولیت تبیین کرده‌اند و رهبری و ریاست او را نیز در آن توجیه کرده‌اند و می‌فرمایند: «قوام بودن نشانه کمال و تقرب به خدا نیست؛ زیرا مسائل اجتماعی و اقتصادی و کوشش برای تحصیل مال و تأمین نیازمندی‌های منزل و اداره زندگی را مرد بهتر به عهده می‌گیرد و مسئول تأمین هزینه است، سرپرستی داخل منزل هم با اوست، ولی چنین نیست که از این سرپرستی مزیتی هم به دست آورد بلکه یک کار اجرایی و یک وظیفه است نه یک فضیلت. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» یعنی، مرد باید قوام باشد و قیومیت را شارع برای مرد جعل کرده است. به عبارتی «يجب على الرجل ان يكون قوَّاماً على نسائه، على امرأته» این يك وظیفه است

(جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۳۶۶). اگرچه آیه مذکور ریاست خانواده را به مردان سپرده است، اما محدوده این ریاست تنها امور زناشویی و زندگی خانوادگی است و مردان تسلط دیگری بر زنان ندارند.

این گروه از مفسرین با توجه به ادامه آیه معتقدند که آیه قوامیت مرد را به روابط زن و مرد در خانواده اختصاص داده است و وظایف و اختیارات خاص را برای مردان در این خصوص برشمرده‌اند. صاحب تفسیر نمونه در این زمینه می‌گوید: «قرآن در این آیه به‌صراحت بیان می‌کند که مقام سرپرستی باید به مرد داده شود و این موقعیت به‌خاطر وجود خصوصیتی در مرد است مانند ترجیح قدرت تفکر او بر نیروی عاطفه و احساسات (به عکس زن که از نیروی سرشار عواطف بیشتری بهره‌مند است) و دیگری داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر که با اولی بتواند بیندیشد و نقشه طرح کند و با دومی بتواند از حریم خانواده خود دفاع کند. همچنین تعهد او در برابر زن و فرزندان نسبت به پرداختن هزینه‌های زندگی و پرداخت مهر و تأمین زندگی آبرومندانه همسر و فرزند این حق را به او می‌دهد که وظیفه سرپرستی به عهده او باشد.

جمله «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» نیز اشاره به همین حقیقت است؛ زیرا در قسمت اول می‌فرماید: «این سرپرستی به‌خاطر تفاوت‌هایی است که خداوند از نظر آفرینش روی مصلحت نوع بشر میان آنها قرار داده است». در قسمت آخر می‌فرماید: «و نیز این سرپرستی به‌خاطر تعهداتی است که مردان در مورد انفاق کردن و پرداخت‌های مالی در برابر زنان و خانواده به‌عهده دارند». سپردن این وظیفه به مردان نه دلیل بالاتر بودن شخصیت انسانی آنهاست و نه سبب امتیاز آنها در جهان دیگر؛ زیرا آن بستگی به تقوی و پرهیزگاری دارد همان‌طور که شخصیت انسانی يك معاون از يك رئیس ممکن است در جنبه‌های مختلفی بیشتر باشد، اما رئیس برای سرپرستی کاری که به او محول شده است از معاون خود شایسته‌تر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳/۳۷۱).

علامه فضل‌الله در این باره می‌نویسد: «برخی مصداق ریاست مرد بر زن را توسعه می‌دهند تا شامل هر چیزی بشود به‌طوری که مرد قائم به کارها و امور مختلف زن شود و زن هیچ ولایت و ریاستی بر امور خویش نداشته باشد، اما ریاست شامل هر چیزی نمی‌شود بلکه مختص به دایره زوجیت و رابطه همسری است». (فضل‌الله، ۱۴۲۱، ص ۱۱۳) ایشان در جای دیگر می‌نویسد: «اسلام بر

زن فرض نکرده که مطلقا از شوهر اطاعت کند به گونه‌ای که تفکر و خواست او در زندگی خصوصی و اجتماعیاتش مختل شود» (فضل الله، ۱۴۲۰، ص ۹۱).

آیت الله حائری هم قوامیت مرد بر زن را ثابت نمی‌داند و معتقد است: «این قوامیت تنها در زندگی زناشویی وجود دارد که مرد ریاست خانواده را برعهده دارد که به نظر می‌رسد که خداوند این قوامیت را معلول دو علت فضل و انفاق دانسته است و نشان می‌دهد که این سلطه نسبت به کلیه مردان بر کلیه زنان نیست و تنها در جایی این قوامیت هست که این دو شرط باشد و این دو شرط نیز در زندگی زناشویی وجود دارد. (حائری، ۱۴۱۵، ص ۷۶)

۴-۳-۲. قوامیت بطور مطلق

گروهی از فقها قوامیت مرد بر همسرش را ریاست عام و مطلق در تمامی امور می‌دانند. آیت الله مقدس اردبیلی در این مورد می‌فرماید: «مردان امور زنان را به عهده دارند و بر آنان همانند والی بر رعیت تسلط دارند». (اردبیلی، بی تا، ص ۵۳۶) در روح المعانی در تفسیر آیه شریفه این گونه آمده است: «شأن مردان قیام و سرپرستی بر زنان است مانند قیام و قوامیت حکام بر رعیت به امر و نهی و مانند آن. به کار بردن جمله اسمیه با صیغه مبالغه برای تأکید و تثبیت است و اشعار به این دارد که این مطلب در مردان ریشه و رسوخ داشته و در طبیعت مادی آنهاست (آلوسی، ۱۴۱۵، ۲۴/۳). مرحوم صاحب جواهر نیز معتقد به وجوب اطاعت مطلق زن از شوهر است و می‌گوید: «از حقوق شوهر بر زن این است که زن از او اطاعت کند و نافرمانی نکند» (نجفی، ۱۳۹۸، ۱۴۷/۳۱). ایشان در این باره به مفاد برخی روایات استناد کرده است مانند روایتی از پیامبر ﷺ به این مضمون که روان نیست انسانی برای انسان دیگر سجده کند و اگر جایز می‌بود هر آینه زن به سجده کردن شوهرش مأمور می‌شد (نجفی، ۱۳۹۸، ۱۷/۳۷۷). همچنین روایتی که بر لزوم تمکین و اجابت خواسته جنسی شوهر دلالت دارد (عاملی، ۱۴۰۹، ۱۱/۱۱۱-۱۱۲) و نیز روایات دال بر عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر که مورد تمسک وی قرار گرفته است. زمخشری نیز در تفسیر قوامیت این آیه آورده است: «منظور آن است که مردان بر زنان سیطره کامل دارند و آنان را امر و نهی می‌کنند» (زمخشری، ۱۴۱۵، ۱/۴۹۵).

۴-۳-۱. اشکال

اینکه گفته شود شوهر در تمام ابعاد بر همسرش مسلط است نه از نظر عقلی و نه از نظر فقهی قابل پذیرش نیست و آیات و روایات چنین مطلبی را تأیید نمی‌کنند. قوامیت علی الاطلاق با آیه

شریفه «لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» که دلالت بر وجود حقوق مشترک در زندگی خانوادگی می‌کند، ناسازگار است. همچنین با مراجعه به تعریف نشوز و احکام آن، محدودبودن این سلطه را می‌توان به‌دست آورد. (ر.ک.، نجفی، بی‌تا، ص ۳۲) امام خمینی علیه‌السلام نیز درباره محدود نشوز می‌فرماید: «نشوز در زوجه عبارت از این است که از اطاعت شوهر آن مقدار که واجب است، خارج شود. برای مثال بیرون رفتن از خانه بدون اذن شوهر و کارهایی دیگر از این قبیل، نشوز است و اطاعت نکردن شوهر در کارهایی که از نظر شرعی به‌عهده زن نیست مانند سرباززدن از انجام امور خانه از مصادیق ناشزه بودن به‌شمار نمی‌آید (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۱۰۲/۴).

در آیه شریفه علاوه بر نشوز زوجه به مسئله نشوز زوج نیز اشاره شده است و اگر قوامون، مطلق معنا شود برای این بیان بعدی محلی باقی نمی‌ماند. همچنین احکام بیان شده از سوی فقها در مورد نشوز احکامی دوطرفه است که این بیانگر این مطلب است که شوهر ولایت مطلقه بر زن ندارد (امام خمینی، ۱۳۷۰، ۳۲۹/۲) بنابراین، زنان تا آن حد موظف به اطاعت از شوهر هستند که مربوط به حقوق همسران است و مردان هرگز حق دخالت در اموال و درآمدهای اقتصادی زنان را ندارند.

۵. شئون قوامیت زوج

۵-۱. قوامیت زوج و نظارت بر خروج از منزل

وآمد زن است. بر مبنای اصل برائت و اباحه اعمال در یکی از شئون قوامیت مرد نظارت بر رفت آنکه که مقارن ها خروج زن از منزل و معاشرت وی بی‌راستای آزادی و کرامت زن و برابری انسان ای باشد باید عملی جایز تلقی شود، اما با توجه به حقوق شوهر و تکالیف متقابل زن با مفسده جویی شوهر و همچنین با در نظر گرفتن مصالح خانواده و مسئولیت ویژه تمکین او در برابر کام‌به الله شوهر در حفظ و صیانت زن این حق زن، مسائلی دارد. علامه سید محمدحسین فضل می‌گوید: «زن و مرد ضمن عقد ازدواج ملزم به رعایت تعهداتی هستند. بر زن واجب است که به نیازهای جنسی مرد پاسخ مثبت دهد و در برابر رغبت او مانع مادی و معنوی ایجاد نکند. همین (الله، ۱۴۱۹، ۱۵۶/۷) گردد». (فضل‌نیاز منجر به نارواشدن خروج بدون اجازه زن از منزل می‌نظر مشهور امامیه بر این است که کسب رضایت شوهر برای خروج از منزل برای زن امری ضروری است. در مقابل شوهر می‌تواند زن را از بیرون رفتن از خانه منع کند اگرچه این عمل زن با حقوق شوهر منافاتی نداشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۳۱۷/۱۰) در مقابل قول مشهور،

عده‌ای از فقها معتقدند که تا زمانی که خروج زن از منزل منافاتی با حق تمتع مرد نداشته باشد، بلاشکال است (فضل‌الله، ۱۴۱۸، ص ۹۲؛ شمس‌الدین، ۱۳۷۹، ۸۹/۳). در این میان فقهایمانند آیت‌الله خویی اگرچه در نهایت از باب احتیاط، نظر مشهور را برگزیده‌اند، ولی در مقام فتوا عدم جواز خروج زن از منزل را منوط به منافات داشتن آن با حق کام‌جویی شوهر می‌داند و می‌فرماید: «در صورتی که خروج زن از منزل با حق کام‌جویی شوهر منافات داشته باشد خروج وی از منزل بدون اذن شوهر جایز نیست» (خویی، بی‌تا، ۲۸۹/۲).

۲-۵. قوامیت زوج و کار و اشتغال زن

از مواردی که شوهر به استناد ریاست و مسئولیت خود در حفظ مصالح و سلامت خانواده و حراست از حیثیت آن حق دخالت دارد موضوع کار و اشتغال زوجه است. البته کار و فعالیت شغلی از حقوق قانونی و مشروع زن است و زن می‌تواند مانند مرد با رعایت موازین شرعی به کار و حرفه متناسب با شئون خویش اشتغال ورزد و از این جهت منعی برای او وجود ندارد. (شمس‌الدین، ۱۴۱۸، ص ۱۹۳) در واقع می‌توان گفت حق اشتغال زن به نوعی زیرمجموعه خروج از منزل است که باید با اذن شوهر انجام شود و در صورتی که منافاتی با حق استمتاع زوج نداشته باشد، اشکال ندارد. البته اگر شغل زن به گونه‌ای باشد که با مصالح خانوادگی و حیثیت مرد یا خود زن منافات داشته باشد مرد می‌تواند مانع اشتغال زن شود نه اینکه از قوامیتش سوء استفاده کند بلکه فقط از حق اشتغال زن جلوگیری کند؛ زیرا هیچ آیه و روایتی دال بر منع زنان از اشتغال وجود ندارد.

۳-۵. قوامیت و امور مالی زوجه

یکی دیگر از مواردی که در بحث قوامیت مرد مطرح است امور مالی زوجه است. بحث از اینکه آیا زوج به واسطه حق قوامیت، حق تصرف در اموال زوجه را دارد یا خیر. در بحث امور مالی زن در رابطه زوجیت اصل استقلال مالی زوجه است و خداوند در آیه ۳۲ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «للرجال نصیب مما اکتسبوا وللنساء نصیب مما اکتسبن؛ مردان را از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای است». در قواعد و اصول مسلم فقهی نیز بیان شده است که مردمان بر مال خویش مسلط هستند: «الناس مسلطون علی اموالهم» و «حرمت مال المومن کدمه؛ احترام مال مسلمان مانند احترام خون اوست» (عاملی، ۱۳۹۸، ۱۳۸/۲) که مردم اعم از مرد و زن هستند و از این جهت است که می‌توان

گفت زن شوهردار با استقلال و آزادی کامل می‌تواند در مسائل مالی و اقتصادی خویش هرگونه دخل و تصرفی داشته باشد بدون آنکه نیازمند کسب رضایت و موافقت شوهرش باشد اعم از اینکه اموال او قبل از ازدواج بدست آمده باشد و یا آنکه بعد از آن و همچنین تفاوتی ندارد که کسب اموال به صورت قهری و از طریق ارث باشد و یا آنکه به صورت اختیاری باشد (محقق داماد، ۱۳۷۲، ص ۳۱۷).

۶. قوامیت و مؤلفه‌های صلح

براساس آیه قرآن، مرد نسبت به زن، قوامیت دارد آن هم در حیطه مسائل زناشویی نه بیشتر. در قبال این مسئولیت، زوج وظایفی دارد که با عمل کرد به آنها الفت و مودت بین زوجین برقرار می‌شود، صلح و تحکیم هرچه بیشتر بنیان‌های خانواده فراهم می‌شود و در نتیجه جلوی بسیاری از اختلافات و تنش‌های خانوادگی گرفته می‌شود نه اینکه از قوامیت به عنوان اهرم فشار بر زن استفاده شود زندگی را بر کام او تلخ کند. برخی از مؤلفه‌های صلح عبارتند از: عدالت‌ورزی، تعاون و همبستگی و احساس مسئولیت.

۶-۱. قوامیت مرد همراه با عدالت‌ورزی

مقام ریاست و سرپرستی در خانواده یک امتیاز و یک حق فردی برای شوهر نیست. در واقع ریاست خانواده بیشتر یک وظیفه اجتماعی بر دوش مرد است. مرد نباید از این امر سوء استفاده کند و از آن به عنوان اهرم فشار بر زن استفاده کند. مرد نباید با اهل خانواده‌اش مستبدانه برخورد کند و در هر مسئله ریز و درشتی نظرات و آراء خود را به دیگران تحمیل کند. باید رفتاری همراه با عدالت و انصاف داشته باشد همچنان که این معنا در کلمه قوامیت نهفته است. به بیان دیگر باید در رفتار با زن حسن معاشرت داشته باشد همان‌طور که در قرآن کریم امر به آن شده است: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و با آنان به‌گونه شایسته رفتار کنید» (نساء: ۲۱).

یکی از ویژگی‌های انسان تمایل و نیاز او به معاشرت است و از معاشرت جز محبت دیدن و محبت‌ورزیدن انتظار ندارد. خلقت انسان براساس عشق و محبت است و همین بهترین انگیزه او برای هر نوع تلاش است. تعبیر حسن معاشرت به عنوان یک وظیفه برای شوهر و یک حق برای زن مطرح می‌شود و عامل تحکیم زندگی خانوادگی است که نشان‌دهنده تمام آن اموری است که مرد در برابر زن باید انجام دهد. در نفقه همه نیازمندی‌های جسمی زن باید تأمین شود

و در حسن معاشرت، همه نیازمندی‌های روحی او. (بهشتی، ۱۳۶۱، ص ۱۵۳) درست است که خداوند فرموده است: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ»، ولی در کنارش با دعوت‌های لطیفی مانند «کونوا قوامین بالقسط؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برپا کنندگان عدل و داد باشید» (نساء: ۱۳۵)، «لا تضاروهن لتضيقوا عليهن» (طلاق: ۶)، «در حد توان خود آنان را تا سرآمد عده‌شان در همان جا که خود ساکنید، سکونت دهید و به آنها آسیب و زیان نرسانید تا عرصه را بر آنان تنگ کنید»، «قل امر ربی بالقسط؛ بگو پروردگارم به انصاف فرمان داده است. آنان را به بسط عدالت و معاشرت احسن و برحذر بودن از هرگونه اضرار و تعدی فرامی‌خواند و بر سازش براساس معروف و رفتار شایسته نسبت به بندگان خدا که به سبب همسری و فرزندی در کفالت او هستند تأکید و سفارش فراوان می‌کند» (اعراف: ۲۹). از آنجا که احکام، تابع مصالح و مفاسد است خدای حکیم بدون رعایت مصالح، امور خانواده را به مرد واگذار نمی‌کند.

۶-۲. قوامیت، تعاون و همبستگی

برای اینکه کانون خانواده گرم نگه‌داشته شود باید در سختی‌های زندگی همکاری شود. کمک کردن مرد به همسر در انجام کارهای خانه نشانه صمیمیت، محبت و احترام به همسر است به طوری که اسلام برای کارکردن مرد در خانه پاداش فراوانی قائل است. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «لَا يَخْدُمُ الْعِيَالُ إِلَّا صَدِيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ جُلٌّ يَرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ به همسر و خانواده خدمت نمی‌کند مگر شخص صدیق و درستکار و یا شهید و یا مردی که خداوند متعال خیر دنیا و آخرت را برایش خواسته باشد». از مسائلی که در زندگی مشترک پیامبر ﷺ با زنان مطرح است و در تحکیم روابط و خوشبختی خانواده تأثیر بسزایی دارد، یاری دادن به همسر و انجام کارهای مربوط به زندگی و تأمین نیازها و انجام کارهای خانه است. این مسئله نزد پیامبر ﷺ سبب شده بود تا صفا و صمیمیت در محیط خانواده حاکم شود (پورعسکری، ۱۳۸۳، ص ۷۳).

در اسلام کمک به همسر در امور خانه از فضائل یک انسان وارسته و خودساخته است و بر انجام آن تأکید و سفارش فراوان شده است. پیامبر اکرم ﷺ اول کسی بود که بیش از همه به این امر اهتمام داشت و آن را در سیره عملی‌اش جاری می‌کرد. در انجام امور منزل دست به کار می‌شد و حتی از خدمتکارانش نیز توقع و انتظاری نداشت. انس می‌گوید: «نه سال خدمتگزاری

حضرت را کردم و هرگز یاد ندارم که در این مدت به من فرموده باشد چرا فلان کار را نکردی و هرگز در کاری از من ایراد نگرفت» (طبرسی، ۱۴۱۲، ۱۶/۱).

۶-۳. ریاست و احساس مسئولیت در برابر همسر

ازدواج یعنی، پذیرش مسئولیت یک فرد دیگر به عنوان همسر. مرد با ازدواج در برابر همسر خود مسئول است به این معنا که در قبال تأمین زندگی زن، مسئولیت دارد و نمی‌تواند از این امر شانه خالی کند. احترام به نظرات، رفتارها و حتی تنهایی و حریم خصوصی همسر و همچنین احترام به خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان همسر نشانه مسئولیت‌پذیری است. مرد مسئول، زن را در دست خود امانت الهی می‌داند و نسبت به او احساس وظیفه می‌کند. به شخصیت، افکار و اعمال او احترام می‌گذارد، به نشاط و غذای روحی او و دیگر اعضای خانواده می‌رسد. زن اگر مورد احترام قرار بگیرد احساس شخصیت می‌کند و به کار و زندگی دلگرم می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

قوامیت مذکور در آیه به معنای سرپرستی و مسئولیت است. وجود رهبر و سرپرست در خانواده مانند سایر نهادهای اجتماعی امری ضروری است. به دلیل وجود ویژگی‌هایی در مرد و نیز تعهد او به تأمین زندگی همسر و فرزندان به تصریح آیه قرآن «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» این وظیفه به عهده مرد نهاده شده است. در تفسیر قوامیت اختلاف وجود دارد. گروهی از فقها مانند شیخ طوسی حرف ال در کلمه الرجال والنساء را حرف ال جنس دانسته‌اند و به تبع آن می‌گویند که رجال و نساء در این آیه، جنس زن و مرد را در نظر دارد و منظور، قوامیت مردان بر زنان است. بر همین مبنا گروهی قوامیت را حمل بر منع حضور زنان در مناصب حکومتی کرده‌اند. در مقابل گروه دیگری معتقدند در آیه مذکور منظور ریاست زوج بر زوجه است. این عده خود دو دسته‌اند: برخی قائل به قوامیت مطلق زوج بر همسرش و در تمام شئون زندگی هستند، اما برخی محدوده این ریاست را تنها امور زناشویی و زندگی خانوادگی می‌دانند و مردان تسلط دیگری بر زنان ندارند که با توجه به ادامه آیه مشخص می‌شود که مراد از قوامیت، مورد اخیر است. مرد موظف است در انجام این وظیفه احساس مسئولیت کند، به عدالت و حسن معاشرت رفتار کند تا بدین گونه زمینه تحکیم بنیان خانواده و ایجاد مودت و صلح را فراهم کند. با ایجاد صلح در خانواده، اجتماع نیز مجموعه‌ای صلح‌پژوه خواهد بود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
 ۲. آصفی، محمد مهدی (۱۳۸۴). زن و ولایت سیاسی و قضایی. نشریه فقه اهل بیت علیهم السلام، ۱۱ (۴۲)، ۴۷-۱۰۰.
 ۳. آلوسی، شهاب‌الدین سید محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب علمیه.
 ۴. بهشتی، احمد (۱۳۷۷). خانواده در قرآن. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۵. پورعسکری، اسلام (۱۳۸۳). سیره پیشوایان در رفتار با همسر. نشریه فرهنگ کوثر، ۷ (۵۹)، ۷۱-۷۸.
 ۶. جعفری، محمد تقی (۱۳۶۲). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). زن در آینه جلال و جمال. قم: اسراء.
 ۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعه لتحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
 ۹. خوبی، سید ابوالقاسم (بی‌تا). منهاج‌الصالحین. بی‌جا: مؤسسه الخویی الاسلامیه.
 ۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. دمشق و بیروت: الدار الشامیه و دار العلم.
 ۱۱. زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.
 ۱۲. زمخشری، محمود (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل. بیروت: دار الکتب العربیه.
 ۱۳. شمس‌الدین، محمد مهدی (۱۳۷۹). مسائل حرجه فی فقه المرأه. بیروت: مؤسسه الدولیه للدراسات و النشر.
 ۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳). المیزان. قم: انتشارات اسلامی.
 ۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
 ۱۶. طبرسی، حسن (۱۴۱۲). مکارم الاخلاق. قم: شریف رضی.
 ۱۷. طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸). مجمع‌البحرین. بی‌جا: مکتب نشر الثقافه الاسلامیه.
 ۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط. تهران: المکتبه المرتضویه.
 ۱۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). تفسیر التبیان. قم: دار الفکر.
 ۲۰. فضل‌الله، سید محمد حسین (۱۴۲۱). تأملات اسلامیه حول المرأه. بیروت: دار الملاک.
 ۲۱. فضل‌الله، سید محمد حسین (۱۴۱۸). دنیا المرأه. بیروت: دار الملاک.
 ۲۲. فضل‌الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹). من وحی القرآن. بیروت: دار الملاک.
 ۲۳. گلپایگانی، محمد رضا (۱۴۱۳). کتاب القضاء. قم: دار القرآن کریم.
 ۲۴. مجلسی، محمد باقر (بی‌تا). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام. تهران: اسلامیه.
 ۲۵. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۲). بررسی فقهی حقوق خانواده- نکاح و انحلال آن. تهران: نشر علوم اسلامی.
 ۲۶. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی‌تا). زبده البیان فی احکام القرآن. تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
 ۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب اسلامیه.
 ۲۸. نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱). جواهر الکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربیه.